

## بررسی نقش کشاورزی در توسعه‌ی روستایی

(مطالعه‌ی موردی: بخش میانکنگی سیستان)

حمید شایان ( دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد ، نویسنده مسؤول)

shayan34@ferdowsi.um.ac.ir

خدیدجه بوذرجمهری ( استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد )

azar@ferdowsi.um.ac.ir

محمودرضا میرلطفی ( دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد )

mmirloff@yahoo.com

### چکیده

کارکرد اصلی مناطق روستایی در جهان سوم، کشاورزی، است و به دلیل تأثیر ویژه آن بر اشتغال، تعدیل فقر و درآمد، امنیت غذایی و خودکفایی، از اهمیت بالایی برخوردار است. این پژوهش به بررسی نقش کشاورزی (به عنوان متغیر مستقل) در توسعه‌ی روستایی (متغیر وابسته) بخش میانکنگی سیستان می‌پردازد. روش تحقیق، از نوع توصیفی - تحلیلی و بر مبنای داده‌های جمع‌آوری شده از پرسش‌نامه‌ی استاندارد روستا و خانوار می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های هم‌بستگی و تحلیل چند متغیره متناسب با هدف تحقیق استفاده شده است. حجم جامعه‌ی نمونه ۳۷۲ سرپرست خانوار در چهل روستای نمونه بوده است که با روش تخصیص متناسب به صورت تصادفی به دست آمده است. ضریب تغییرات چهار بعد توان کشاورزی نشان می‌دهد که بعد اجتماعی با ضریب ۰/۱۲ همگن‌ترین و بعد تولیدی با ضریب ۰/۳۵ ناهمگن‌ترین بعد است. بین ابعاد توسعه‌ی روستایی نیز بعد اجتماعی با ضریب ۰/۱۴ همگن‌ترین و بعد اکولوژیکی با ضریب ۰/۲۶ ناهمگن‌ترین بعد است. آزمون هم‌بستگی بین دو متغیر مستقل (توان کشاورزی) و وابسته (توسعه‌ی روستایی)، رابطه‌ی معناداری را نشان داده است. براساس تحلیل چند متغیره، بعد تولیدی به تنهایی ۴۰/۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (توسعه‌ی روستایی) را تبیین نموده است. در مجموع ابعاد چهارگانه‌ی توان کشاورزی ۵۲/۴ درصد از تغییرات توسعه‌ی روستایی را بیان کرده است. نتیجه‌ی تحلیل چند متغیره بعد تولیدی

- به عنوان مهمترین و اثرگذارترین بعد - نشان می‌دهد که سرانه‌ی درآمد خالص به تنهایی ۲۷/۳ درصد و عملکرد گندم ۷/۵ درصد واریانس توسعه‌ی روستایی را تبیین می‌کند. این مسأله ضرورت توجه و برنامه ریزی شاخص‌های مهم بعد تولیدی کشاورزی را یادآور می‌شود. کلیدواژه‌ها: توان کشاورزی، توسعه روستایی، بخش میانکنگی، سیستم.

### درآمد

بسیاری از محققان و مورخان شکل‌گیری عمده تمدن‌های بشری را پیرامون محور کشاورزی و زراعت دانسته‌اند. با گسترش تمدن بشری، فعالیت‌های کشاورزی با توجه به ماهیت ساختاری خود در مناطق روستایی (شکوری، ۱۳۸۴: ۷) به عنوان کارکرد اصلی معرفی شده است، و در بین دیگر کارکردهای روستا - مانند سکونت، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، مهمترین کارکرد اقتصادی، به ویژه برای کشورهای که منابع معدنی اساسی ندارند، محسوب می‌شود (Mater studiorum, 2008:12). همچنین ارتباط بی‌واسطه و متقابل دو پدیده‌ی "کشاورزی و روستانشینی" سبب شده، گاهی اوقات مفاهیم "توسعه کشاورزی" و "توسعه روستایی" به صورت مترادف به کار برده شوند (زاهدانی مازندرانی، ۱۳۸۲: ۱۵۴).

بی‌توجهی روزافزون به بخش کشاورزی از یک سو و رشد جمعیت از سوی دیگر، سبب شده تا وضع زندگی روستاییان روزبه‌روز بدتر شود. به طور مثال تقریباً هفتاد و پنج درصد مردم فقیر کشورهای در حال توسعه در نواحی روستایی زندگی می‌کنند (Whelan, 2003:1) و یا براساس برآورد صندوق بین‌المللی توسعه‌ی کشاورزی (ایفاد) از هر ده تن فقیر در جهان هنوز هفت تن ساکن روستا هستند (فائو، ۱۳۸۲: ۵۲). به همین سبب، بیشتر برنامه‌ریزان توسعه درصد کاهش ابعاد عقب‌ماندگی و توسعه‌ی مناطق روستایی هستند. بدین جهت، توسعه‌ی روستایی، راهبردی برای بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی روستاییان فقیر (Oecd 5, 2001:5) و کشاورزی، به عنوان کارکرد اصلی روستا، نقش مهم در فقرزدایی دارد (Meijerink, 2007:47).

در این راستا گروهی همچون آندرسون، هایامی و همکارانش، در سال ۱۹۸۶ حمایت از کشاورزان را در کشورهای جهان سوم نوعی جهت‌گیری سیاسی داده و دلیل حمایت از بخش کشاورزی را در اقتصاد سیاسی بسط داده‌اند (رحیمی، ۱۳۷۹: ۹۰). از سوی دیگر مخالفان راهبرد

کشاورزی اعتقاد دارند پایین بودن بهره‌وری، وجود نیروی انسانی مازاد و عدم توان جذب این نیروها توسط بخش کشاورزی نهایتاً سبب بروز پدیده مهاجرت از روستا می‌شود (سینگ، ۱۳۸۲: ۲۲۴). اما تجربه‌ی کشورهای صنعتی غرب در مراحل صنعتی شدن این نکته را مورد تأکید قرار داده است که توسعه‌ی اقتصادی در مراحل اولیه‌ی خود، جز از طریق تکیه بر کشاورزی و بالابردن بهره‌وری آن و گسترش رشد از این بخش به سایر بخش‌های اقتصادی امکان‌پذیر نبوده است. چین و تایلند دو نمونه‌ی موفق الگوی توسعه براساس تکیه بر بخش کشاورزی هستند. چینی‌ها می‌گویند کشاورزی اساس کار است و صنعت عامل پیش برنده (همتی، ۱۳۶۶: ۴۲).

به اعتقاد بیشتر صاحب نظران، کشاورزی در سطوح مختلف دارای نقش‌های مهم و اساسی است. از جمله، داشتن سهم عمده در رسیدن به اهداف توسعه‌ی هزاره‌ی سوم (توسعه‌ی پایدار و کاهش فقر)، درآمدزایی فقرای روستایی کشورهای در حال توسعه (Whelan, 2003:7)، ایجاد امنیت غذایی (گیلیس، ۱۳۸۵: ۱۰)، کاهش مخارج غذایی در بودجه‌ی خانوار (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۰)، تغییر ساختار اقتصاد مصرفی به ساختار اقتصاد تولیدی (قدیری معصوم، ۱۳۸۲: ۱۱۷)، تثبیت قیمت محصولات کشاورزی، استفاده مناسب از زیرساخت‌های جغرافیایی در نواحی روستایی (فرانسیس و دیگران، ۱۳۷۷: ۳۹۵)، وابستگی عمیق با منابع طبیعی و اثرگذاری بر پایداری محیطی، کاربر بودن بخش کشاورزی (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۲) و زمینه‌ساز فعالیت‌های غیرکشاورزی در روستا و ناحیه (Dallhamer, 2007:43) است. علاوه بر این، در فرآیند توسعه‌ی ملی می‌توان به دیگر نقش‌های کشاورزی همچون: کمک به توسعه‌ی سایر بخش‌ها از طریق ایجاد مازاد اقتصادی (تأمین سرمایه، تأمین انرژی و مواد اولیه صنایع دستی و صنعت)، کمک به تأمین سرمایه در رشد اقتصادی، کمک به تأمین منابع ارزی، کمک به ذخیره نیروی کار، کمک به بازار کالاهای صنعتی (شکوری، ۱۳۸۴: ۷)، نیل به خودکفایی کشاورزی به منظور جلوگیری از زیر سلطه قرارگرفتن، تغییر جهت منطقی مهاجرت در سطح کشور و بخش‌های مختلف (قدیری معصوم، ۱۳۸۲: ۱۱۷)، نقش توریستی کشاورزی در مناطق روستایی (فیروزنیا، ۱۳۸۲: ۲۷۴) اشاره کرد.

در سطوح فراملی نیز سازمان‌های بین‌المللی همچون بانک جهانی به دنبال رسیدگی به وضعیت فقرای روستایی و فقرزدایی در این نواحی هستند. در این راستا با حمایت از فقرا و

ارتقای بازده نیروی کار (Baylis, 2008: 75)، ترویج رشد همه جانبه با تأکید بر کشاورزی، به عنوان موتور اصلی رشد روستایی، و ایجاد اتحاد میان تمام افراد ذی نفع یعنی مشارکت کامل و گسترده کشاورزان توجه دارد (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۴: ۸۰). بانک توسعه‌ی آسیایی نیز عنوان نموده است: در دهه‌ی پیش رو، توسعه کشاورزی و روستایی، حیاتی‌ترین نقش را در ریشه‌کن نمودن گرسنگی و فقر در آسیا ایفا خواهد کرد (<http://www.Rostairan.ir>).

صاحب‌نظران توسعه مانند لویس امرج<sup>۱</sup>، جون رابینسون<sup>۲</sup>، نیل اسملسر<sup>۳</sup>، مایکل تودارو<sup>۴</sup>، روستو<sup>۵</sup>، آرتور لویز<sup>۶</sup>، عبیدالله خان<sup>۷</sup>، درادی<sup>۸</sup> و روزن اشتاین - رودن<sup>۹</sup> - با احتساب روستا به عنوان بخش مهمی از جامعه‌ی زیستی کشورها، راه توسعه‌ی اقتصادی کشورها (با نگاه کلان) و توسعه‌ی روستایی (با نگاه خرد) را در توسعه‌ی بخش کشاورزی دیده‌اند. در این راستا بر اثرات عمده‌ی بخش کشاورزی همچون کاهش بیکاری، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، تعدیل فقر، بالابردن سطح و کیفیت زندگی و... و همچنین تعادل توسعه بین نقاط شهری و روستایی تأکید نموده‌اند (مهدوی، ۱۳۷۷: ۲۷؛ مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۶۹؛ ازکیا، ۱۳۸۴: ۷۰؛ تودارو، ۱۳۶۴: ۹۷ و ۴۵۵؛ آسایش، ۱۳۷۵: ۶۸؛ جیروند، ۱۳۷۵: ۹۳؛ پاپلی یزدی، ۱۳۸۱: ۱۲۳؛ شاکری، ۱۳۸۳: ۱۱۱؛ سایفی، ۲۰۰۸: ۲۶).

با توجه به ادبیات بیان شده، اهداف تحقیق حاضر سنجش توان کشاورزی و سطح توسعه‌ی روستایی، آزمون رابطه و تحلیل تأثیرتوان کشاورزی بر سطح توسعه‌ی روستایی بخش میانکنگی سیستان است.

#### ضرورت تحقیق

منطقه‌ی سیستان با وجود زمین‌های حاصل‌خیز، آب فراوان و درک بالای مردمان آن از محیط طبیعی، از سه هزار سال پیش از میلاد یکی از مناطق کشاورزی مهم، آباد و ثروتمند در شرق ایران بوده است. هولدیج - عضو گروه تعیین سرحد به سرپرستی سایکس، در سال ۱۲۸۵ ه. ش نیز به آبادانی و ثروت‌های آن عهد سیستان اشاره می‌کند و می‌گوید: سیستان در قدیم انبار گندم آسیا بود (افشار سیستانی، ۱۳۶۹: ۱۳۱۷).

سرشماری سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد از جمعیت ۷۳۲۵۴ تنی ناحیه، ۶۶۳۵۲ تن (۹۱٪) در نقاط روستایی زندگی می‌کنند. تعداد بهره‌برداران کشاورز منطقه ۹۹۵۸ تن، یعنی ۶۷/۸۵ درصد، خانوارهای ساکن‌اند که به صورت عمده معیشت آنها از طریق کشاورزی تأمین می‌شود. بنابراین، کارکرد اصلی منطقه، کارکرد اقتصاد کشاورزی آن است که در نقش‌های تولیدی، تبدیلی و مبادله‌ای به هم گره خورده و نظام اقتصادی روستاها را شکل می‌دهد (یاسوری، ۱۳۸۶: ۴۹). در این بین، کشاورزی قدیمی‌ترین و اثرگذارترین فعالیت اقتصادی بخش میانکنگی است. روند افزایشی ۲۳ درصدی هم در کل جمعیت و هم بهره‌برداران کشاورزی منطقه طی دوره ۸۵-۱۳۷۵ (مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و سرشماری‌های کشاورزی ۱۳۷۲ و ۱۳۸۲) نشانه‌ی وابستگی شدید جمعیت به کشاورزی است.

همچنین موقعیت منطقه‌ی مورد مطالعه در نوار مرزی شرق ایران و همسایگی آن با کشور عقب‌مانده‌ی افغانستان، شرایط ویژه‌ای را ایجاد کرده است، زیرا افغانستان با منابع تنش و مشاجره‌ای زیاد با همسایگانش می‌تواند به عنوان رکورددار معرفی شود، که البته با توجه به عدم ثبات سیاسی (حکومتی) لازم در این کشور، بیشتر این منابع تنش در حال حاضر به صورت پنهان هستند. اهم این منابع عبارت‌اند از: حقایق هیرمند، محاط بودن افغانستان در خشکی، وجود گروه‌های شرور و تحریک اقوام، مواد مخدر، پناهندگان افغان و تبعات منفی حضور آنها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و سیاسی مناطق مرزی، تفاوت نظام‌های سیاسی در ایران و افغانستان (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۵۴-۱۳۹). بنابراین توسعه‌ی مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد مرزنشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی به ویژه بخش گسترده‌ی کشاورزی، حمایت و سرمایه‌گذاری دولت، بر کارکرد امنیتی و ارتباطی مرز تأثیر مثبت دارد. لذا برای تحقق توسعه‌ی پایدار که متضمن، تقویت هویت و اقتدار و امنیت ملی خواهد بود، ضرورت دارد تا مناطق دورافتاده و محروم در سطح ملی در اولویت قرار گیرند (شایان، ۱۳۸۳: ۷۲).

## روش تحقیق، جامعه‌ی آماری و نمونه

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کاربردی است که از روش‌های تحقیق توصیفی - تحلیلی و نیز روش‌های آماری برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. گردآوری اطلاعات با استفاده از روش‌های اسنادی و مطالعات میدانی در روستاهای نمونه انجام پذیرفته است. عمده اطلاعات گرفته شده در سطح جامعه‌ی نمونه، به صورت تکمیل پرسشنامه نهایی پس از تأیید آن در مرحله‌ی کارشناسی و نیز در مرحله‌ی پیش‌آزمون (روایی) بوده است. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزارهای آگسل و SPSS تجزیه و تحلیل شده‌اند. برای بررسی میزان پایایی گویه‌های تحقیق از آماره آلفای کرونباخ با دامنه‌ی صفر تا یک استفاده شده است. که میزان آن برای متغیر مستقل (توان کشاورزی) ۰/۸۱۹ و برای متغیر وابسته (توسعه‌ی روستایی) ۰/۷۳۲ می‌باشد.

جامعه‌ی آماری شامل ۱۲۲۰۷ خانوار ساکن در ۱۹۷ روستای بالای بیست خانوار بخش میانکنگی بوده است. حجم روستاهای نمونه بر اساس فرمول شارپ و کوکران و فرمول تصحیح (سرایی، ۱۳۷۱: ۱۲۹ و ۱۳۷) چهل مورد تعیین شد.

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} \quad \text{و} \quad n = \frac{n'}{1 + \frac{n'}{N}}$$

که در آن، n حجم نمونه، t درجه‌ی اطمینان در سطح ۹۵ درصد (برابر با ۱/۹۶)، d احتمال خطا برابر با ۰/۰۵، N حجم جامعه (۱۹۷) و s پیش برآورد واریانس جامعه با استفاده از پرسشنامه‌های مرحله‌ی پیش‌آزمون است. تعداد روستاهای نمونه در دهستان‌ها با استفاده از روش تخصیص متناسب (بر اساس تعداد روستای دهستان) در جهان آباد ۱۰، دوست محمد ۱۳، قرقری ۹ و مارگان ۸ مورد مشخص شد. روستاها پس از کدبندی با استفاده از نرم افزار mini-tab به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای تعیین حجم نمونه خانوارهای ساکن در روستاهای با جمعیت بیست خانوار و بیشتر از فرمول کوکران استفاده شد (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

که در آن،  $n$  حجم نمونه،  $t$  درجه اطمینان در سطح ۹۵ درصد (برابر با  $1/96$ )،  $p$  درجهی احتمال وجود صفت برابر با  $0/5$ ،  $q$  درجه احتمال عدم وجود صفت برابر  $0/5$ ،  $d$  احتمال خطا برابر با  $0/05$  و  $N$  حجم جامعه برابر با  $12207$  می باشد. در نتیجه حجم نمونه ( $n$ ) برابر با  $372$  به دست آمد. برای تعیین حجم نمونه نیز به تفکیک دهستان و روستاهای نمونه از روش تخصیص متناسب (براساس تعداد خانوار روستا و دهستان) استفاده شده است.

### خصوصیات منطقه‌ی میانکنگی

بخش میانکنگی<sup>(۱)</sup> با وسعت  $1009$  کیلومتر مربع در شمال شرق منطقه‌ی سیستان واقع شده است. جمعیت آن،  $73254$  تن با تراکم نسبی  $72/6$  تن در کیلومتر مربع، در یک نقطه‌ی شهری (دوست محمد) و سیصد روستا ساکن هستند (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی:  $1385$ ). آب وهوای آن با میانگین سالانه  $22/1$  درجه‌ی سانتی‌گراد، بارندگی  $59/6$  میلی‌متر و وجود بادهای  $120$  روزه، گرم و خشک است. اما وجود شعب پر آب رود هیرمند و اراضی حاصل‌خیز، این محدودیت را کم‌رنگ و فرصت بسیار مناسبی را برای بخش کشاورزی ایجاد نموده است.

ترکیب کشاورزی منطقه شامل زراعت، پرورش دام و طیور، تولید گل‌خانه‌ای و پرورش ماهی است. زراعت و دامداری و پرورش طیور به صورت تلفیقی، اقتصاد عمده خانوارهای روستایی را تشکیل می‌دهد، و فعالیت‌های دیگر به دلیل فراهم نبودن بستر مناسب، گسترش نیافته‌اند.

از مجموع  $32683$  تن کشاورز شهرستان زابل،  $30/47$  درصد در بخش میانکنگی زندگی می‌کنند. از مجموع  $9958$  بهره‌بردار تعداد  $6602$  تن ( $66/30$  درصد) در فعالیت‌های زراعی و مابقی در دیگر فعالیت‌ها نظیر پرورش دام، ماکیان و... مشغول‌اند. بخش صنعت به لحاظ کمی و کیفی در پایین‌ترین سطح ممکن قرار دارد، به گونه‌ای که فقط  $169$  تن یا  $1/33$  درصد از کل شاغلان بخش ( $12681$  تن) در بخش صنعت (عمدتاً: قالی بافی، پرده بافی و سوزن دوزی) مشغول به کاراند و فقط  $20/14$  درصد از شاغلان منطقه در بخش خدمات به کار مشغول‌اند.

## یافته‌های تحقیق

برای دستیابی به هدف اصلی تحقیق، معرفه‌های توان کشاورزی و توسعه‌ی روستایی مورد آزمون‌های مناسب قرار گرفته‌اند. در این تحقیق با توجه به فضای خاص فعالیت کشاورزی ناحیه و همچنین با در نظر گرفتن چند مشخصه‌ی اساسی همچون واقع‌گرایی، اتکاء بر قابلیت‌های محیطی و همه‌سونگری در برنامه‌ریزی کشاورزی (نوری، ۱۳۷۹: ۱۰) معرفه‌های مبین توان کشاورزی در چهار بعد اجرایی، اجتماعی، ساختاری و تولیدی ارزشیابی و آزمون شده‌اند (شکل و جدول ۱).

شکل ۱: ابعاد و شاخص‌های ارزشیابی توان کشاورزی



با لحاظ رهیافت کلی نگر\* مبتنی بر ضرورت دید جامع در درک و تحلیل ابعاد بوم‌شناختی - محیطی، اجتماعی و اقتصادی توسعه (Shepherd, 1998: 6)، و ملحوظ داشتن دیدگاه‌های نظری، معرفه‌های سطح توسعه‌ی روستایی در سه ابعاد تعیین، اندازه‌گیری مورد تحلیل قرار گرفته‌اند (شکل و جدول ۲).

\*Holestic Approach



شکل ۲: ابعاد و شاخص های ارزشیابی توسعه‌ی روستایی



مأخذ: یافته های تحقیق



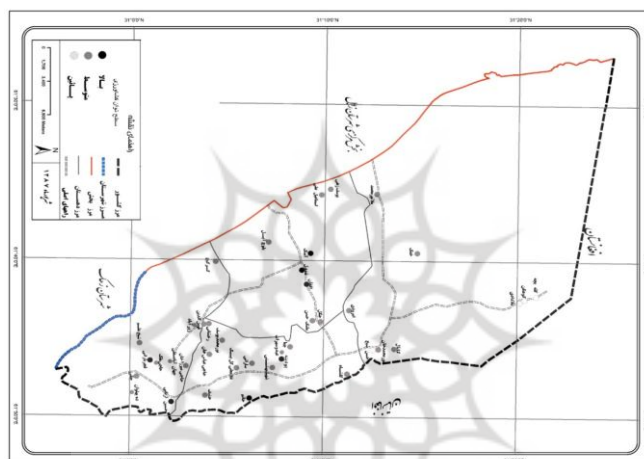
۰/۱۹۵۰	۰/۵۰	۲	۲/۵۷	۲	۳/۲۲	۲	۲/۵۰	۲	۲/۵۷	۲	۲	گلشاه
۰/۲۲۲۰	۰/۵۲	۲	۲/۳۶	۲	۳/۱۱	۲	۲/۳۳	۲	۲	۲	۲	ملا نور محمد
۰/۲۴۶۴	۰/۶۰	۲	۲/۴۵	۲	۳/۳۳	۲	۲/۱۷	۲	۲	۲	۲/۲۹	خمک
۰/۲۰۷۸	۰/۴۸	۲	۲/۳۳	۳	۲/۸۸	۳	۱/۶۷	۲	۲/۲۹	۲	۲/۵۷	امروزی
۰/۵۳۰۶	۰/۸۲	۳	۱/۳۶	۳	۲/۴۴	۳	۱	۳	۱	۳	۱	گله بچه
۰/۶۶۱۳	۱/۰۳	۳	۱/۵۶	۲	۳/۱۱	۳	۱	۳	۱	۳	۱/۱۴	کوهکن
۰/۲۵۹۸	۰/۴۸	۳	۱/۸۴	۳	۲/۵۶	۳	۱/۶۷	۳	۱/۵۷	۳	۱/۵۷	ملادادی
۰/۴۸۶۹	۱/۲۱	۲	۲/۴۸	۱	۳/۸۹	۳	۱/۱۷	۲	۱/۸۶	۱	۳	نور محمد خان
۰/۸۱۲۲	۰/۹۲	۳	۱/۵۱	۳	۲/۸۹	۳	۱	۳	۱	۳	۱/۱۴	حسن شیخ
۰/۳۰۱۱	۰/۶۴	۲	۲/۱۳	۲	۳	۳	۱/۵۰	۲	۱/۸۶	۲	۲/۱۴	کانال
۰/۳۳	۰/۸۴	۲	۲/۵۵	۱	۳/۷۸	۲	۲	۲	۲	۲	۲/۴۳	اسماعیل علی
۰/۳۳۳۸	۰/۸۷	۲	۲/۳۸	۲	۳/۴۴	۳	۱/۶۷	۲	۲	۲	۲/۴۳	یوسف زهی
۰/۲۷۶۵	۰/۶۶	۲	۲/۴۰	۲	۳/۳۳	۲	۲	۲	۲/۴۳	۳	۱/۸۶	بلوچ آیل
۰/۰۸۱۶	۰/۲۴	۱	۲/۹۹	۲	۳/۲۲	۱	۳/۱۷	۱	۲/۷۱	۱	۲/۸۶	شندل
۰/۱۸۶۵	۰/۵۸	۱	۳/۰۹	۲	۳/۱۱	۱	۳/۸۳	۱	۳	۲	۲/۴۳	آسک
۰/۳۳۰۱	۰/۵۳	۲	۲/۳۲	۲	۳/۱۱	۲	۲/۱۷	۲	۲	۲	۲	ملنگ
۰/۲۰۸۶	۰/۵۲	۲	۲/۵۰	۲	۳/۲۲	۲	۲/۵۰	۲	۲	۲	۲/۲۹	چکل
۰/۲۰۶۱	۰/۶۲	۱	۳	۲	۳/۳۳	۱	۳/۶۷	۱	۲/۷۱	۲	۲/۲۹	براهویی
			۲/۴۰		۳/۲۱		۲/۰۹		۲/۰۵		۲/۲۵	میانگین کل
			۰/۴۰		۰/۳۷		۰/۷۲		۰/۵۲		۰/۵۱	انحراف معیار
			۰/۱۷		۰/۱۲		۰/۳۵		۰/۲۵		۰/۳۳	ضریب پراکندگی

در میان چهار بعد توان کشاورزی، ضریب پراکندگی بعد اجتماعی (۰/۱۲) دارای کمترین مقدار بوده که حکایت از هم‌گونی نسبی روستاها از این نظر (بر خلاف بعد تولیدی) دارد. بیشترین ضریب پراکندگی در روستاهایی است که از توان کشاورزی ضعیفی برخوردارند. مانند حسن شیخ (۰/۷۱۲۲) و روستاهای اطراف آن که عمده آنها در شمال بخش قرار دارند. براساس طبقه‌بندی خوشه‌ای، روستاهای مورد مطالعه در سه طبقه تقسیم شدند. بدین ترتیب، ۱۷/۵ درصد در طبقه ۱، ۷۲/۵ درصد در طبقه ۲ و ۱۰ درصد در پایین‌ترین طبقه (۳) قرار گرفته‌اند.

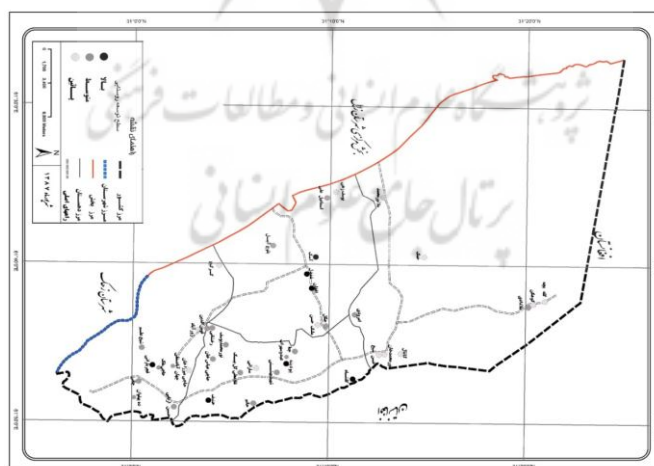
جدول شماره ۲: طبقه بندی سطح توسعه‌ی روستایی به تفکیک ابعاد (۱۳۷۸)

ردیف	نام روستا	طبقه	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد	تعداد
۰/۲۷۱	نظر گرگیچ	۳	۲/۲۸	۲	۲/۷۱	۳	۲/۵۶	۳	۱/۵۷	
۰/۱۲۵	زورآباد	۳	۲/۳۳	۳	۲	۳	۲/۵۶	۱	۲/۴۳	
۰/۰۵۰	فجر بارانی	۱	۲/۸۷	۲	۳	۲	۲/۸۹	۱	۲/۷۱	
۰/۲۴۲	حاجی میرزا خان	۳	۲/۱۶	۳	۲/۵۷	۳	۲/۳۳	۳	۱/۵۷	
۰/۲۶۱	جهان آباد سملی	۲	۲/۸۴	۱	۳/۴۳	۲	۲/۷۸	۲	۲	
۰/۱۸۲	حسین اربابی	۲	۲/۷۰	۲	۳/۰۷	۲	۲/۸۹	۲	۲/۱۴	
۰/۲۹۰	ده پهلوان	۲	۲/۵۱	۲	۳/۱۴	۲	۲/۶۷	۲	۱/۷۱	
۰/۱۸۲	جانلی	۲	۲/۷۰	۲	۳/۰۷	۲	۲/۸۹	۲	۲/۱۴	
۰/۳۲۰	حاجی ملک	۲	۲/۴۹	۲	۳	۲	۲/۸۹	۳	۱/۵۷	
۰/۲۲۶	شیخ علم	۲	۲/۵۱	۲	۲/۷۹	۲	۲/۸۹	۲	۱/۸۶	
۰/۰۷۹	حاجی عباس خان	۲	۲/۸۲	۲	۳/۰۷	۲	۲/۶۷	۱	۲/۷۱	
۰/۲۰۳	محمد یوسف رودینی	۲	۲/۸۳	۱	۳/۴۳	۲	۲/۷۸	۲	۲/۲۹	
۰/۲۱۹	رخشانی	۲	۲/۵۴	۳	۲/۵۰	۲	۳/۱۱	۲	۲	
۰/۳۱۷	فوس الدین	۲	۲/۶۶	۲	۲/۹۳	۲	۳/۳۳	۲	۱/۷۱	
۰/۴۴۲	حنیف	۱	۲/۹۷	۲	۲/۸۶	۱	۴/۳۳	۲	۱/۷۱	
۰/۲۸۲	شهرک گل بیک	۲	۲/۸۴	۱	۳/۷۱	۲	۲/۶۷	۲	۲/۱۴	
۰/۰۹۵	حاتم	۲	۲/۷۸	۲	۳/۰۷	۳	۲/۵۶	۱	۲/۷۱	
۰/۲۴۵	سارانی	۳	۲/۱۲	۲	۲/۷۱	۳	۱/۷۸	۲	۱/۸۶	
۰/۱۸۶	عیدوسهراب	۲	۲/۶۱	۳	۲/۵۷	۲	۳/۱۱	۲	۲/۱۴	
۰/۲۵۰	جما	۲	۲/۶۱	۱	۳/۳۶	۳	۲/۳۳	۲	۲/۱۴	
۰/۱۴۶	پودینه	۱	۲/۹۶	۱	۳/۴۳	۲	۲/۸۹	۱	۲/۵۷	
۰/۱۹۹	شهید بهشتی	۲	۲/۵۶	۲	۳	۲	۲/۶۷	۲	۲	
۰/۰۸۴	گلشاه	۱	۲/۹۲	۲	۲/۶۴	۲	۳/۱۱	۱	۳	
۰/۲۸۰	ملا نور محمد	۳	۲/۳۱	۲	۳	۳	۲/۲۲	۲	۱/۷۱	
۰/۱۵۷	خمک	۳	۲/۲۷	۳	۲/۵۰	۳	۲/۴۴	۲	۱/۸۶	
۰/۲۶۰	امرودی	۲	۲/۴۵	۲	۲/۸۶	۲	۲/۷۸	۲	۱/۷۱	
۰/۴۸۱	گله بیچه	۳	۲/۱۵	۲	۳	۳	۲/۴۴	۳	۱	
۰/۴۷۶	کوهکن	۳	۲/۲۰	۲	۲/۹۳	۲	۲/۶۷	۳	۱	
۰/۴۰۴	ملادادی	۲	۲/۶۲	۲	۳	۲	۳/۴۴	۳	۱/۴۳	
۰/۲۹۴	نور محمد خان	۳	۲/۳۸	۲	۲/۷۹	۲	۲/۷۸	۳	۱/۵۷	
۰/۴۷۳	حسن شیخ	۳	۲/۰۱	۳	۲/۱۴	۲	۲/۸۹	۳	۱	
۰/۴۴۳	کانال	۳	۲/۳۸	۲	۲/۶۴	۲	۲/۷۸	۲	۱/۷۱	
۰/۰۷۰	اسماعیل علی	۲	۲/۸۰	۲	۲/۹۳	۲	۲/۸۹	۱	۲/۵۷	
۰/۱۷۲	یوسف زهی	۳	۲/۳۳	۳	۲/۲۱	۲	۲/۷۸	۲	۲	
۰/۱۰۲	بلوچ آیل	۲	۲/۵۱	۲	۲/۷۹	۳	۲/۴۴	۲	۲/۲۹	
۰/۱۴۲	شندل	۱	۳/۲۹	۱	۳/۷۹	۲	۳/۲۲	۱	۲/۸۶	
۰/۱۵۸	اسک	۱	۲/۹۸	۳	۲/۵۰	۲	۳/۴۴	۱	۳	
۰/۲۵۵	ملنگ	۳	۲/۳۳	۳	۲/۱۴	۲	۳	۲	۱/۸۶	
۰/۲۴۷	چکل	۲	۲/۵۷	۲	۳/۰۷	۲	۲/۷۸	۲	۱/۸۶	
۰/۱۳۸	براهویی	۱	۳/۰۹	۲	۲/۷۱	۱	۳/۵۶	۱	۳	
	میانگین کل		۲/۵۸		۲/۸۸		۲/۸۳		۲/۰۳	
	انحراف معیار		۰/۲۹		۰/۴۰		۰/۴۲		۰/۵۳	
	ضریب پراکندگی		۰/۱۱		۰/۱۴		۰/۱۵		۰/۲۶	

ضریب تغییرات ( CV ) ابعاد توسعه‌ی روستایی نشان می‌دهد که هم‌گن‌ترین آنها، بعد اجتماعی با ضریب  $0/14$  و ناهم‌گن‌ترینشان، بعد اکولوژیکی با ضریب  $0/26$  می‌باشد. در بین روستاها، قجر بارانی در دهستان جهان آباد با ضریب پراکندگی  $0/050$  به لحاظ سطح توسعه یافتگی، همگن‌ترین و گله بچه در دهستان قرقری با ضریب  $0/481$  ناهمگن‌ترین روستا است. در این مورد نیز به لحاظ موقعیت مکانی، بیشتر ضرایب بزرگ - سطح پایین و نامتعادل تر توسعه، در نواحی شمالی بخش قرار دارند.



نقشه شماره ۱: سطح توان کشاورزی بخش میانکنگی به تفکیک روستا



نقشه شماره ۲: سطح توسعه روستایی بخش میانکنگی به تفکیک روستا

در مجموع بر اساس طبقه‌بندی خوشه‌ای، روستاهای نمونه در ابعاد مختلف، در سه طبقه تقسیم شدند. در نتیجه ۱۷/۵ درصد در طبقه ۱، ۵۰ درصد در طبقه ۲ و ۳۲/۵ درصد نیز در طبقه ۳ قرار گرفته‌اند. بر اساس نمره استاندارد (Z) توان کشاورزی، ۳۵ روستا (۸۷/۵ درصد) در فاصله‌ی  $\pm 1/65$  قرار دارند که حکایت از همگونی بیشتر روستاها به لحاظ توان کشاورزی دارد. براساس معیار نمرات استاندارد (Z) متغیر توسعه‌ی روستایی نیز باید گفت که ۹۲/۵ درصد (۳۷ روستا) در فاصله‌ی  $\pm 1/65$  قرار دارند، که همگونی روستاها را به لحاظ توسعه یافتگی روستایی تأیید می‌کند.

### تبیین رابطه توان کشاورزی و توسعه‌ی روستایی

با توجه به ضرایب توان کشاورزی و توسعه‌ی روستایی در روستاهای مورد مطالعه، میزان همبستگی دو متغیر مزبور در بالاترین سطح معناداری مورد تأیید قرار گرفته است.

#### جدول ۳: همبستگی توان کشاورزی و توسعه‌ی روستایی

توسعه روستایی		توان کشاورزی
۰/۷۱۸	میزان همبستگی	
۰/۰۰۰	سطح معنی داری	
۴۰	تعداد روستا	

به منظور تبیین واریانس توسعه‌ی روستایی براساس ابعاد توان کشاورزی از ابعاد توان کشاورزی از رگرسیون چند متغیره (روش گام به گام) استفاده شد.

#### جدول ۴: بعد های وارد شده (توان کشاورزی) در معادله رگرسیون برای تبیین واریانس توسعه‌ی روستایی

مراحل ورود متغیرها	تبدیل	R	R <sup>2</sup>	مقدار F	Sig. F	شده به R <sup>2</sup> مقدار اضافه	B	Beta	T	Sig. T
اول	تولیدی	۰/۶۳۵	۰/۴۰۳	۲۵/۶۴۰	۰/۰۰۰	۰/۴۰۳	۰/۱۸۸	۰/۴۶۱	۲/۴۴۷	۰/۰۰۰
دوم	اجرایی	۰/۷۱۰	۰/۵۰۴	۱۸/۷۷۳	۰/۰۰۰	۰/۱۰۱	۰/۱۴۴	۰/۲۵۱	۱/۷۱۸	۰/۰۰۹
سوم	ساختاری	۰/۷۱۱	۰/۵۰۵	۱۲/۲۴۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۵۱	۰/۰۹۰	۰/۴۴۰	۰/۶۶۳

چهارم	اجتماعی	۰/۷۲۴	۰/۵۲۴	۹/۶۱۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۹	۰/۱۱۹	۰/۱۴۹	۱/۱۶۲	۰/۲۵۳
-------	---------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	-------	-------

جدول شماره (۴) نتایج تحلیل چند متغیره‌ی متغیره‌های مستقل (ابعاد توان کشاورزی) را روی متغیر توسعه‌ی روستایی نشان می‌دهد. چنان‌که ملاحظه می‌شود مهم‌ترین متغیری که بیشترین واریانس توسعه‌ی روستایی منطقه را تبیین می‌کند، بعد تولیدی است. این متغیر به تنهایی ۴۰/۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد و نشان می‌دهد مؤلفه‌های این بعد تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر توسعه‌ی روستایی دارند. دومین متغیر بعد اجرایی است که ۱۰/۱ درصد تغییرات واریانس توسعه‌ی روستایی را تبیین می‌کند. در نتیجه این بعد نیز در توسعه‌ی روستایی دارای اهمیت است. در مراحل سوم و چهارم ابعاد اجتماعی و ساختاری وارد رگرسیون شد که درصد ناچیزی از واریانس توسعه‌ی روستایی را تبیین می‌کنند. با ورود این دو متغیر توان تبیین الگو در مرحله‌ی آخر به ۵۲/۴ درصد رسیده است. به بیان دیگر الگوی تحقیق با چهار متغیر (بعد) ۵۲/۴ درصد از تغییرات توسعه‌ی روستایی را تبیین کرده است ( $R^2 = 0.524$ ).

جهت مثبت مقادیر Beta نشان می‌دهد با افزایش متغیره‌های مستقل، میزان متغیر توسعه‌ی روستایی افزایش می‌یابد. در الگوی نهایی، متغیر تولیدی بیشترین ضریب تأثیر (۰/۴۶۱) را دارد، یعنی به ازای یک واحد افزایش بعد تولیدی، متغیر توسعه‌ی روستایی به اندازه ۰/۴۶۱ واحد اضافه می‌شود. متغیر بعد اجرایی، دومین ضریب رگرسیون (۰/۲۵۱) را دارد. اهمیت نسبی متغیره‌های مستقل در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته (توسعه‌ی روستایی) با ضریب بتا، برای هر متغیر بیان شده است. در واقع از ضرایب بتا، برای تعیین میزان اثر متغیره‌های مستقل روی متغیر وابسته استفاده می‌شود، که معادله‌ی آن از این قرار است:

$$\text{میزان توسعه‌ی روستایی} = \text{بعد تولیدی (۰/۴۶۱)} + \text{بعد اجرایی (۰/۲۵۱)}$$

به دلیل اهمیت بعد تولیدی در توسعه‌ی روستایی، معرف‌های این بعد، برای تبیین واریانس توسعه‌ی روستایی به روش گام به گام مورد تحلیل قرار گرفتند.

جدول ۵: معرفه‌های وارد شده ( بعد تولیدی توان کشاورزی) در معادله‌ی رگرسیون برای تبیین واریانس توسعه‌ی روستایی

ورود معرفه‌ها	معرفه	R	R <sup>2</sup>	مقدار F	Sig. F	شده به R <sup>2</sup>	تغییرات	B	Beta	T	Sig. T
اول	سرانه درآمد خالص	۰/۵۲۲	۰/۲۷۳	۱۴/۲۴۹	۰/۰۰۱	۰/۲۷۳		۰/۰۱۱	۰/۰۴۴	۰/۱۱۲	۰/۰۰۱
دوم	عملکرد گندم	۰/۵۹۰	۰/۳۴۸	۹/۸۶۹	۰/۰۰۰	۰/۰۷۵		۰/۰۸۶	۰/۲۵۵	۱/۴۸۳	۰/۰۴۶
سوم	سرانه درآمد زراعی	۰/۵۹۵	۰/۳۵۴	۶/۵۸۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶		۰/۰۶۲	۰/۲۴۶	۰/۶۶۱	۰/۵۱۳
چهارم	سرانه درآمد دامی	۰/۶۲۴	۰/۳۸۹	۵/۵۶۶	۰/۰۰۱	۰/۰۳۵		۰/۰۶۱	۰/۲۳۳	۱/۵۶۱	۰/۱۲۸
پنجم	عملکرد جالیز	۰/۶۴۳	۰/۴۱۴	۴/۸۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۲۵		۰/۰۴۸	۰/۱۴۴	۱/۰۰۷	۰/۲۳۶
ششم	عملکرد جو	۰/۶۴۷	۰/۴۱۹	۳/۹۶۶	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵		۰/۰۲۰	۰/۰۹۵	۰/۵۳۶	۰/۵۹۵

جدول شماره (۵) نتایج تحلیل چند متغیره معرفه‌های بعد تولیدی توان کشاورزی را روی متغیر توسعه‌ی روستایی ارائه کرده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مهم‌ترین معرفی که در عین حال بیشترین واریانس توسعه‌ی روستایی را تبیین می‌کند، سرانه‌ی درآمد خالص است. این متغیر به تنهایی ۲۷/۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح و نشان می‌دهد که تأثیر بسیاری بر توسعه‌ی روستایی دارد. دومین معرف وارد رگرسیون، عملکرد گندم در هکتار است که ۷/۵ درصد تغییرات واریانس توسعه‌ی روستایی را تبیین می‌کند. سایر معرف‌ها با توجه به ضرایب معناداری T قابل ملاحظه نیستند. در کل توان تبیین الگوی در مرحله‌ی آخر به ۴۱/۹ درصد رسیده است.

#### جمع بندی و نتیجه گیری

کشاورزی، اساسی‌ترین کارکرد اقتصادی روستا و در تاریخ حیات خود اثرگذارترین عامل در توسعه‌ی روستایی بوده است. به‌طوری‌که عینیت این مسأله را به روشنی می‌توان در ابعاد مختلف محیطی، اقتصادی و اجتماعی مشاهده کرد. تحقیق حاضر به منظور سنجش و بررسی



توان کشاورزی و رابطه‌ی آن با توسعه‌ی روستایی، چهار بعد توان کشاورزی و سه بعد توسعه‌ی روستایی را با معرفه‌های مربوط مشخص نموده است. یافته‌های استنباطی تحقیق حاکی از آن است که میان ابعاد چهارگانه‌ی کشاورزی، بعد اجتماعی، همگن‌ترین و بعد تولیدی ناهمگن‌ترین بعد و در سه بعد توسعه روستایی، بعد اجتماعی - همگن‌ترین و بعد اکولوژیکی، ناهمگن‌ترین بعد است. بنابراین توجه به بعد تولیدی کشاورزی و بعد اکولوژیکی توسعه‌ی روستایی از اهمیت زیادی برخوردار است.

رابطه‌ی معنادار ( $\text{sig} = 0/000$ ) بین توان کشاورزی و توسعه‌ی روستایی، نشان از نقش قابل توجه کشاورزی در توسعه‌ی روستایی منطقه دارد. به ویژه که چهار بعد توان کشاورزی نیز در تحلیل چند متغیره،  $52/4$  درصد از تغییرات واریانس توسعه‌ی روستایی را تبیین می‌کنند. البته بعد تولیدی با  $40/3$  درصد بیشترین تغییرات واریانس متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. این مسأله نیز ضرورت توجه به بعد تولیدی کشاورزی را گوشزد می‌کند.

نتیجه‌ی تحلیل چند متغیره بعد تولیدی - به عنوان مهمترین و اثرگذارترین بعد - نشان می‌دهد که سرانه‌ی درآمد خالص به تنهایی  $27/3$  درصد از واریانس متغیر وابسته، یعنی توسعه‌ی روستایی و عملکرد گندم  $7/5$  درصد واریانس توسعه‌ی روستایی را تبیین می‌کند. بنابراین در برنامه‌ریزی محدودده‌ی مورد مطالعه، باید به رابطه و تأثیر مهم بخش کشاورزی بر توسعه‌ی روستایی توجه داشت. در این راستا، برنامه ریزان و تسهیل گران توسعه‌ی روستایی باید ضمن تأکید بر بخش کشاورزی، به ویژه ابعاد تولیدی و اجرایی آن، کانون توجه خود را معطوف به برطرف کردن چالش‌های موجود در زمینه‌ی بالا بردن سطح درآمد روستاییان، به ویژه از طریق افزایش عملکرد گندم به عنوان محصول اصلی منطقه بنمایند.

## یادداشت‌ها

1. Lovis Emerkij
2. Joan Robinson
3. Neil Smelser
4. Michael Todaro
5. Rostow
6. Arthor Lewis
7. Obeydollah
8. Deradi
9. Rosenstein – Roden

## توضیحات

۱. این منطقه در دهم دی‌ماه ۸۷ به پیشنهاد وزارت کشور و به استناد ماده ۱۳ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری به طور رسمی به شهرستان هیرمند تغییر نام داد ([http:// www.khabarfarsi.com](http://www.khabarfarsi.com) ، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ۸۷/۱۱/۲). ولی چون اجرای مطالعات میدانی قبل از وقوع این مسأله بوده است، لذا در این تحقیق عنوان "بخش میانکنگی" به جای "شهرستان هیرمند" به کار رفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مأخذ:

۱. آسایش، حسین، (۱۳۷۵)، *برنامه ریزی روستایی در ایران*، انتشارات پیام نور: تهران.
۲. ازکیا، مصطفی، (۱۳۸۴)، *مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی*، انتشارات اطلاعات: تهران.
۳. افشار سیستانی، ایرج، (۱۳۶۶)، *سیستان نامه*، انتشارات مرغ آمین: تهران.
۴. پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمدامیر، (۱۳۸۱)، *نظریه های توسعه روستایی*، انتشارات سمت: تهران.
۵. تودارو، مایکل، (۱۳۶۴)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه ی غلامعلی فرجادی، وزرات برنامه و بودجه: تهران.
۶. جیروند، عبدالله، (۱۳۷۵)، *توسعه اقتصادی (مجموعه عقاید)*، انتشارات مولوی: تهران.
۷. حافظ نیا، محمد رضا، (۱۳۸۴)، *مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، چاپ یازدهم، انتشارات سمت: تهران.
۸. رحیمی، عباس، (۱۳۷۹)، «سیاست های حمایت از کشاورزی»، انتشارات روستا و توسعه، شماره ۳۷.
۹. زاهدی مازندرانی، محمد جواد، (۱۳۸۲)، *توسعه و نابرابری*، نشرمازیار: تهران.
۱۰. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۳)، «*ضرورت های کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی*»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۵.
۱۱. سرایی، حسن، (۱۳۷۱)، *مقدمه ای بر نمونه گیری در تحقیق*، انتشارات سمت: تهران.
۱۲. سینگ، جاسبر (۱۳۸۲)، *جغرافیای کشاورزی*، ترجمه سیاوش دهقانیان و دیگران، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه فردوسی: مشهد.
۱۳. شاکری، عباس، (۱۳۸۳)، «*جایگاه بخش کشاورزی*»، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۸.
۱۴. شایان، حمید (۱۳۸۷)، «*مکان یابی سکونتگاه های برتر بر اساس فن ارزشیابی مشارکتی در شهرستان مشهد*»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۱۱.
۱۵. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۳)، «*تنگناهای توسعه در استانهای مرزی کشور*»، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۷.

۱۶. شکوری، علی، (۱۳۸۴)، *سیاست‌های توسعه کشاورزی در ایران*، انتشارات سمت: تهران.
۱۷. فائو، (۱۳۸۲)، *کشاورزی در جهان به سوی ۲۰۳۰-۲۰۱۵*، ترجمه هومن فتحی، موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی: تهران.
۱۸. فرانسیس، چارلز و دیگران، (۱۳۷۷)، *کشاورزی پایدار در مناطق معتدل*، ترجمه‌ی عوض کوچکی و جواد خلقانی، دانشگاه فردوسی: مشهد.
۱۹. فیروزنیا، قدیر و افتخاری، عبدالرضا رکن الدین، (۱۳۸۲)، *جایگاه روستا در فرآیند توسعه ملی از دیدگاه صاحب‌نظران*، انتشارات موسسه توسعه روستایی ایران: تهران.
۲۰. قدیری معصوم، مجتبی و نجفی کانی، علی اکبر، (۱۳۸۲)، «*برنامه‌های توسعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آنها بر نواحی روستایی*»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۴.
۲۱. کریمی پور، یداله، (۱۳۷۹)، *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)*، جهاددانشگاهی دانشگاه تربیت معلم: تهران.
۲۲. گیلیس، ام و دیگران، (۱۳۸۵)، *اقتصاد توسعه*، ترجمه‌ی غلامرضا آزاد ارمکی، نشر نی: تهران.
۲۳. مرکز آمار ایران، *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵*.
۲۴. مطیعی لنگرودی، حسن، (۱۳۸۲)، *برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران*، انتشارات جهاد دانشگاهی: مشهد.
۲۵. مهدوی، مسعود، (۱۳۷۷)، *مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران*، انتشارات سمت: تهران.
۲۶. نوری، سیدهدایت اله، (۱۳۷۹)، «*تحلیل فضایی در جغرافیای کشاورزی*»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۹.
۲۷. وزرات جهاد کشاورزی، (۱۳۸۴)، *راهبرد توسعه‌ی روستایی* (رویکرد جدید بانک جهانی)، ترجمه‌ی مؤسسه دین و اقتصاد وزرات جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی: تهران.
۲۸. همتی، عبدالناصر، (۱۳۶۶)، *مشکلات اقتصادی جهان سوم*، نشر سروش: تهران.
۲۹. یاسوری، مجید، (۱۳۸۶)، *مقدمه‌ای بر اقتصاد روستایی با تأکید بر بخش کشاورزی*، انتشارات به نشر: مشهد.

30. Baylis , Kathy & et al. , (2008), *Agri-environmental policies in the EU and united states: A comparison* Ecological Economics , volume 65,pp.753-764.
31. Dallhamer. Erich (2007) , *Types of interaction between Environment rural economy* , Society and Agriculture in European regions (TERESA), <http://www.sciencedirect.com>
32. OECD,(2001),*The DAC Guidelines , strategies for Sustainable Development*.
33. <http://www.Rostairan.ir>.
34. <http://www.khabarfarsi.com>.
35. Mater studiorum,Alma,(2008),*Agriculture and Rural Development policies Analysis in the wester Balkan countries* , Bologna Italy.
36. Meijerink,Gerdien & Roza,pim,(2007),*The role of agriculture in development: focusing on linkages beyond agriculture strategy & policy*.
37. Saifi , Basim ,(2008), *A co evolutionary model for promoting agricultural Sustainability*. Ecological Economics , volume 65. Pp.24-34
38. Shepherd, Andrew, (1998), *Sustainable Rural Development*. London Macmillan press.
39. Whelan, susan, (2003), *promoting sustainable Rural Development through Agriculture* Canada making Difference in the world Canadian international Development Agency.